

# مشروع سازی قدرت: درک نظام مذهبی-فرهنگی قطب‌شاهیان گلکندا

سلما فاروقی\*

دانشیار تاریخ، دانشگاه ملی اردو مولانا آزاد، حیدرآباد

قرن چهاردهم میلادی دوره تسلط مسلمانان بر حکومت جنوب هند بود و برای اثبات این امر می‌شود به شکل‌گیری حکومت‌های اسلامی محلی، از جمله حکومت بهمنی‌ها و پنج حکومت جانشین آنها، در این منطقه اشاره کرد. تسلط مسلمانان باعث شد بُعد جدیدی به نهادهای سیاسی، مذهبی و اجتماعی-فرهنگی دکن افزوده شود. تضعیف قدرت‌های سیاسی هندو، از جمله کاکاتیا، گنگا، گاجاپاتی، ردی، ویلاما و در نهایت ویجیانگر، منجر به تغییراتی در نظام‌های مذهبی دکن شد.<sup>۱</sup> اتحاد سیاسی و ثباتی که حکومت‌های هندو پیش از آن پدید آورده بودند در حدود قرن چهاردهم از بین رفت و این امر طبیعتاً منجر به ظهور ادیان متفاوتی در آن منطقه شد که پیروان زیادی نداشتند و از میان آنها می‌شود به بودایسم، جینیسم و مسیحیت اشاره کرد.<sup>۲</sup> در نتیجه، دو دین

*stitutions-Andhradesas, 1300-1600* (Madras: New Era, 1984), 2-4.

<sup>2</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 3-4. هم‌زمان با حضور پرتغالی‌ها، هلندی‌ها و انگلیسی‌ها در منطقه تلگو، بدر مسیحیت برای اولین بار در خاک آن منطقه کاشته شد.

<sup>۱</sup>این جستار ترجمه کاوه بلوری از مقاله منتشرنشده "Legitimizing Power, Understanding the Religio-Cultural System of the Golconda Qutub Shahis" است که پس از تغییرات تاریخی و فنی فیروزه پاپن‌متین و ویرایش وحید طلوعی به چاپ می‌رسد.  
<sup>۱</sup>Soma Reddy, *Hindu and Muslim Religious In-*

Salma Ahmad Farooqui, "Legitimizing Power: Understanding the Religio-Cultural System of the Golconda Qutub Shahis," *Iran Namag*, Volume 1, Number 3 (Fall 2016), 162-176.

سلما احمد فاروقی دانشیار تاریخ در دانشگاه اردو ملی مولانا آزاد در حیدرآباد و مدیر مطالعات دکن در این دانشگاه است. در کنار مقالات متعدد، تاریخ جامع هند در قرون وسطا: از قرن دوازدهم تا نیمه قرن هجدهم از ایشان منتشر شده است.

Salma Ahmad Farooqui <salmafarooqui@gmail.com>

اصلی هندو و اسلام همچنان ادیان غالب منطقه باقی ماندند. فرقه‌های متفاوت آیین هندو که در قرن‌های پیش از آن در اوج شهرت قرار داشتند عبارت بودند از شیوایسم،<sup>۲</sup> وشناویسم،<sup>۴</sup> آیین شکتی<sup>۵</sup> و تعدادی از آیین‌های بدوی.<sup>۶</sup> بعد از حمله مسلمانان به دکن و اشاعه اسلام در آن منطقه، گروه‌های جدیدی از مسلمانان به منطقه راه یافتند که در واقع آغازکننده فعالیت‌های تبلیغاتی آیین اسلام بودند.<sup>۷</sup> سرانجام، بیشتر فرقه‌های مذهبی هندو به علت تبلیغات ناکافی و نیز به سبب سقوط حکومت‌های هندو در منطقه جنوب تضعیف شدند. این مسئله باعث شد اسلام بیش از پیش در منطقه رواج یابد و پیروان بیشتری پیدا کند.<sup>۸</sup> بعد از اینکه حکومت‌های بسیاری در دکن به قدرت رسیدند و از قدرت ساقط شدند، در اوایل قرن شانزدهم، قطب‌شاهیان حکومت خود را در ناحیه تلنگ، واقع در دکن، بنیاد نهادند. سلطان قلی قطب‌الملک که از اهالی قبیله ترک ایرانی قراقویونلو بود، در سال ۱۵۱۸م سلسله قطب‌شاهیان را تأسیس و گلکندا را پایتخت خود اعلام کرد. قلمرو سلسله قطب‌شاهی تقریباً همه منطقه تلنگ را در بر می‌گرفت. حکومت قطب‌شاهی نقش مهمی در اشاعه هر چه بیشتر دین اسلام و به خصوص مذهب شیعه، مذهب رسمی قطب‌شاهیان، در آن منطقه داشت. با این همه، مسلمان آن منطقه همیشه در اقلیت بودند.<sup>۹</sup>

قطب‌شاهیان شیعه بودند. تعلق آنان به این فرقه اسلامی را می‌توان در گفته‌ای از سلطان قلی مشاهده کرد که می‌گوید وی به پیامبر و آل علی سوگند خورده که چنانچه بتواند به استقلال خود یابد، مذهب دوازده‌امامی را در همه مناطقی که هیچ‌گاه در آنها پرچم تشیع به اهتزاز در نیامده بود رواج دهد. با این حال، گوشزد می‌کند که در این امر از شاه ایران، شاه‌اسماعیل، پیروی نمی‌کند، زیرا نیاکان او پیش از این، یعنی از دوره حکومت سلطان یعقوب، شیعه بوده و خاندانش پیرو مذهب دوازده‌امامی بوده‌اند.<sup>۱۰</sup> بنابراین، مذهب شیعه در دوران حکومت قطب‌شاهیان به مذهب رسمی نخبگان حاکم بر جامعه تبدیل

بعضی از آیین‌های بدوی که در آن زمان وجود داشتند عبارت بودند از سیدهااس، ستایش ویربهدر، گاناپاتی، سریا، هانومان.

<sup>۲</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 5.

<sup>۳</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 5-6.

<sup>۴</sup>تعداد مسلمانان در ناحیه تلگانا به نسبت دیگر نواحی آندرادسا بیشتر بوده است.

<sup>۵</sup>John Hollister, *Islam and the Shia Faith in India* (New Delhi: Taj, 1989), 121-122.

<sup>۶</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 3-4.

زیرمجموعه‌های آیین شیوایسم عبارت بودند از پاشوپاتیس، کالا موکهااس، کاپالیکاس و ویرا شیواس.

<sup>۷</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 3-4.

زیرمجموعه‌های آیین وشناویسم عبارت بودند از وکهاناس، سری وشناواس، مادهنوس، چیتانوس و ویتالس.

<sup>۸</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 3-4.

آیین شکتی شبیه آیین قهرمان‌پرستی است.

<sup>۹</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 3-4.

شد و طبیعتاً توانست از حمایت مردمی برخوردار شود. اما به‌رغم این مسئله، مذهب اهل سنت، که سلسلهٔ تغلقیان و بهمنی‌ها در دکن از آن پیروی می‌کردند، همچنان مذهب غالب منطقه باقی ماند.<sup>۱۱</sup> ظاهراً چنان که تاورنیه (۱۶۰۵-۱۶۸۹م)، سیاح پرآوازه، شرح می‌دهد، اختلافات بین این دو فرقه آشتی‌ناپذیر بود.

اختلاف بین مسلمانان فقط به تفسیرهای متفاوتی که از قرآن به دست می‌دهند محدود نمی‌شود، بلکه آنان در خصوص اولین جانشینان پیامبر نیز با هم اختلاف نظر دارند. این اختلاف باعث پدید آمدن دو فرقهٔ کاملاً متضاد شده است که یکی از آنها سنی نامیده می‌شود و ترک‌ها از آن پیروی می‌کنند و دیگری شیعه است که مذهب ایرانی‌هاست.<sup>۱۲</sup>

نیرا چاندوک بر این باور است که دین در هر جامعه اساساً سه بُعد دارد: اول بُعدی نظری برای درک فعالیت‌های اجتماعی،<sup>۱۳</sup> دوم بُعدی مبتنی بر ارتباط دین با دیگر ابعاد جامعه از جمله اقتصاد، حکومت و طبقهٔ اجتماعی<sup>۱۴</sup> و در آخر نقش مهم دین در شکل بخشیدن به تشکیلات و جنبش‌های مذهبی.<sup>۱۵</sup> حال اگر دریابیم دین چگونه باعث پدیدار شدن ساختارهای سلطه در هر نظام اجتماعی می‌شود، آن‌گاه با نظریهٔ ماکس وبر در خصوص تأثیر نظام اخلاقی پروتستان بر ظهور جامعهٔ مدرن هم‌رأی خواهیم شد؛ نظریه‌ای که نقش مهمی در تعیین رابطهٔ دین و جامعه داشته است. معمولاً به پرسش گرفتن ارزش‌های اخلاقی و فعالیت‌ها و شرایط گوناگون در جامعه ارزش‌های مذهبی آن جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در جوامع گوناگون دکن، حمایت از مذهب و فرهنگ و سیاسی کردن آنها در واقع ابزاری در اختیار گروه‌های متفاوت جامعه، و به‌ویژه گروه‌های اقلیت، قرار می‌داد که به کمک آن به گروه‌های فشار کارآمدی تبدیل می‌شدند. علاوه بر این، چنین وضعیتی باعث می‌شد که این گروه‌های اقلیت در موقعیت بهتری نسبت به اکثریت جامعه قرار گیرند.<sup>۱۶</sup> در منطقهٔ دکن، مذهب جزئی از نظام اجتماعی بود و در واقع ابزار سیاسی

ذاتی ساختار کلی جامعه به حساب می‌آید و در این ساختار نقشی تعیین‌کننده دارد.

<sup>۱۱</sup> این ساختار کلی با منطق خاص خود رابطهٔ عناصر متفاوت جامعه را شکل می‌بخشد و در این خصوص نقشی تعیین‌کننده دارد. بنگرید به چاندوک، "مذهب، فرهنگ و دولت."

<sup>۱۲</sup> آگاهی و فرایندهایی فرهنگی که این ساختار ایجاد می‌کند، نقش مهمی در درک رفتار سیاسی دارند. "مذهب، فرهنگ و دولت."

<sup>۱۳</sup> پرابها دیکسیت، فرقه‌گرایی: نزاع بر سر قدرت (دهلی: آرینت لانگزن، ۱۹۷۴)، ۷.

<sup>۱۱</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 5-6.

<sup>۱۲</sup>Jeane Baptiste Tavernier, *Travels in India* (Calcutta, 1908), vol. 2, 137.

<sup>۱۳</sup>نیرا چاندوک در مقالهٔ خود با عنوان "مذهب، فرهنگ و دولت" در صفحات ۱۲ و ۱۳ مجموعه مقاله‌های کتاب مذهب، دولت و سیاست در هند (دهلی: انتشارات آجانتا، ۱۹۸۹)، ویراستهٔ معین شاکری، می‌گوید: "مذهب چارچوبی نمادین است که بینش و عمل گروه‌های اجتماعی را تعیین می‌کند و همین بینش است که به شرایط عینی شکلی خاص می‌بخشد. به این سبب که مذهب خود نیرویی اجتماعی است که جزء

مهمی محسوب می‌شد که واقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی را منعکس می‌کرد. مذهب ابزاری در دست نجیب‌زادگان بود و نه فقط باعث تداوم ساختارهای سلطه در نظام می‌شد، بلکه در چارچوب نظام ادعاهای گوناگونی مطرح می‌کرد و در خصوص پی‌گیری این ادعاها نیز نقشی مؤثر داشت.<sup>۱۷</sup> قطب‌شاهیان با اینکه پیرو مذهب شیعه بودند، نه فقط از مسلمانان، بلکه از نهادهای مذهبی غیراسلامی ضعیف‌شده نیز حمایت می‌کردند، زیرا معتقد بودند حمایت از نهادهای مذهبی فایده‌های سیاسی بسیاری برایشان دارد. در نتیجه، خیلی از نهادهای مذهبی و از جمله معبد، ماتها، آگراهارا، مسجد، درگاه، خانقاه و عاشوراخانه‌ها در آن دوران به مراکزی برای تبلیغ و حفظ این ادیان تبدیل شدند. این نهادهای مذهبی رفته‌رفته با حمایت حکام و نجیب‌زادگان توانستند زمین‌هایی بزرگ و منابع درآمد دیگری برای خود به دست آورند. یکی از اهداف اصلی این نهادهای مذهبی مسلمان و غیرمسلمان ارتقای رفاه معنوی جامعه بود، چنان که در خصوص مسایل اجتماعی و اقتصادی به اهالی جامعه کمک می‌کردند و مثلاً به یتیم‌ها غذا و لباس مجانی می‌دادند و مراسم لنگر (آشپزخانه همگانی) برگزار می‌کردند. این نهادهای مذهبی علاوه بر اینکه به مراکز مذهبی و معنوی مهمی تبدیل شده بودند، بر عقاید توده مردم نیز تأثیر می‌گذاشتند، باورهای آنان را بیان می‌کردند و علاوه بر اینها، تأثیر عمیقی بر زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم می‌گذاشتند.<sup>۱۸</sup>

سیاست مذهبی قطب‌شاهیان سیاست جذب و همگون‌سازی بود که هدف از آن، از طرفی حفظ نظام اجتماعی-اقتصادی فئودالیسم بود و از طرفی دیگر، مشروع‌سازی سیاست‌های دولت. تبلور این سیاست را می‌توان در تعداد زمین‌هایی که حکام و زبردستان آنها به نهادهای مذهبی هندو و از جمله معبد، ماتها، و آگراهاراها می‌بخشیدند مشاهده کرد.<sup>۱۹</sup> با این همه، اعتبار و محبوبیت این نهادهای مذهبی هندو در کل کم شده بود، زیرا حامیان خود را از دست داده بودند. معابد واقع در مناطق ساحلی آندھرا پرادش و رایالاسیما بیش از دیگر معابد هندو تضعیف شده بودند و این امر به‌خصوص بعد از سقوط حکومت گجپتی در ۱۵۳۸م و همچنین بعد از سقوط حکومت ویجایانگر در ۱۵۶۵م، بیش از پیش شدت گرفت.<sup>۲۰</sup> علت این انحطاط سقوط قدرت سیاسی هندو

<sup>20</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 25-30; John Briggs, *History of the Rise of Mahomedan Power in India til the Year A.D. 1612* (Delhi: Oriental Books Reprint Corporation, 1981), vol. 3, 355.

بریز به معابد درون قلعه دوارکندا اشاره می‌کند؛ معابدی که ویران شدند و به جایشان مسجد ساخته شد.

<sup>۱۷</sup>چاندوک، "مذهب، فرهنگ و دولت"، ۹.

<sup>۱۸</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 9.

<sup>۱۹</sup>K. Satyanarayana, "Religion and Society under the Qutb Shahis of Golconda," in *Andhra Pradesh History Congress*, 3rd session (Vijayawada, 1978), 46.

در این مناطق بود که در نهایت تضعیف ماتها و آگراها را نیز در برداشت. علاوه بر این، چنان که به نظر می‌رسد، ظهور اسلام و نهادهای وابسته به آن که از حمایت حکومت برخوردار بودند نیز علت دیگری بود که باعث شد نهادهای هندو حامیان خود را از دست بدهند، زیرا نهادهای نوپدید مسلمانان به رقابت با آنها می‌پرداختند.<sup>۲۱</sup>

قطب‌شاهیان برای گسترش حکومت خود در هر جا که می‌توانستند نهادهای مذهبی اسلامی و از جمله مسجد، خانقاه، عاشوراخانه و درگاه ساختند، زیرا این نهادها مراکز مهمی بودند و باعث می‌شدند قدرت و اولویت مذهبی قطب‌شاهیان، یعنی مذهب تشیع، در بین مردم رواج پیدا کند. در آن دوران، تعداد خانقاه‌ها انگشت‌شمار بود که علت آن عمدتاً تضعیف این نهاد مذهبی در دنیای مسلمانان آن زمان بود و علاوه بر این، درگاه‌ها در ایالت آندهر پرادش روزبه‌روز محبوبیت بیشتری پیدا می‌کردند.<sup>۲۲</sup> اگر کمک‌های مالی حکومت به نهادهای مذهبی را بررسی کنیم، می‌بینیم که پیوند جالبی بین این نهادها و حکومت وجود داشته است. حکام سلسله قطب‌شاهی از نخبگان و نهادهای مذهبی حمایت می‌کردند و در عوض از مشروعیت سیاسی برخوردار می‌شدند. در واقع، می‌توان گفت نهادهای مذهبی و حکام با یکدیگر متحد بودند و نیازهای یکدیگر را برمی‌آوردند. به عبارتی دیگر، قدیسان به علت تأثیری که بر افکار عمومی داشتند، سیاست‌های حکام را مشروعیت می‌بخشیدند و حکام نیز در عوض زمین‌هایی در اختیار آنها قرار می‌دادند و به این شکل به آنها کمک اقتصادی می‌کردند و آنان را قانع نگه می‌داشتند.

به گفته سما ردی، برای تأمین مخارج نهادهای مذهبی دو منبع درآمد اصلی وجود داشت که عبارت بودند از دارایی‌های بلندمدت یا ثابت و دارایی‌های کوتاه‌مدت یا جاری. گروه اول دارایی‌های منقول و غیرمنقول را در بر می‌گرفت که از جمله آنها می‌توان به جاگیرهای روستاها، زمین‌ها، باغ‌ها، ساختمان‌ها و نیز رمه‌های گاو و جواهرآلات اشاره کرد. گروه دوم شامل درآمد حاصل از مالیات، عوارض و دیگر موقوفه‌های مالی می‌شد. گرچه نهادهای مذهبی از طرف گروه‌های گوناگون جامعه حمایت می‌شدند، بیشترین و باارزش‌ترین کمک را از جانب حکام و مقام‌های حکومتی دریافت می‌کردند.<sup>۲۳</sup> افراد

Hyderabad (Delhi: Asian Educational Services, 1992), 74;

ه. خ. شروانی، تاریخ سلسله قطب‌شاهی (دهلی: منشیرام مانوهارلال، ۱۹۷۴)، صفحه ۲۵۴ و ۶۰۱.

<sup>23</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 95-96.

<sup>21</sup>Briggs, *History of the Rise of Mahomedan Power*, 355; Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 25-30.

<sup>22</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 46-50; Ali Asghar Bilgrami, *Landmarks of the Deccan: A Comprehensive Guide to the Archaeological Remains of the City and Suburbs of*

دیگری هم بودند که به تأمین مخارج نهادهای مذهبی کمک می‌کردند که به ترتیب اهمیت و مقامشان عبارت بودند از مقام‌های زیردست شاه، نجیب‌زادگان طبقه فئودال، گروه‌های مستقل، تشکیلات فرقه‌ای و افراد مستقل.

بر اساس شواهد موجود، بیشتر نهادهای مذهبی در دوره حکومت قطب‌شاهیان صاحب زمین‌هایی بزرگ بودند و درآمد آنها از همین زمین‌ها حاصل می‌شد. برای مثال، سلطان محمدقلی قطب‌شاه درآمد حاصل از جاگیر روستایی را به خانقاه سیدشاه راجو اول بخشید.<sup>۲۴</sup> بیشتر مساجد در شهرهای مهمی چون گلکندا و حیدرآباد نیز به همین شکل درآمد حاصل از زمین‌های متفاوتی را دریافت می‌کردند. علاوه بر این، بعضی از نهادهای مذهبی نیز از طریق خانه یا مغازه‌هایی که در اختیارشان بود درآمد کم‌وبیش ثابتی به دست می‌آوردند. این رابطه مالی محرز می‌سازد که جلب نظر مساعد عناصر مسلط در حکومت و تشکیلات وابسته به آن و نیز جلب توجه عناصر مسلط در بین مقام‌های مذهبی که از حمایت شاه و نجیب‌زادگان برخوردار بودند و از این حمایت استقبال می‌کردند مسئله‌ای ضروری بود. بر اساس کتیبه فارسی مسجد صالح‌بیگم، واقع در شهر قدیمی حیدرآباد در نزدیکی منطقه کتلاعلی‌جاه که در ۱۶۵۷م نوشته شده است، صالح‌بیگم سیده، از حامیان سلطنتی، برای کمک به مخارج این مسجد تعدادی مغازه و خانه در اختیار آن قرار داده است.<sup>۲۵</sup>

روستاها و قطعه‌زمین‌هایی که در اختیار نهادهای مذهبی قرار داشتند، در واقع بیشتر تضمینی بودند برای تأمین درآمدی ثابت برای این نهادها و نیز تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز آنها. ماهیت این زمین‌های وقفی چنان بود که دریافت‌کنندگان زمین، یعنی نهادهای مذهبی، یگانه مالک زمین یا روستایی می‌شدند که به آنها اهدا می‌شد و گاهی هم قسمت‌هایی از این زمین‌ها را به کشاورزان اجاره می‌دادند تا روی آنها کشت و کار کنند و کشاورزان نیز قسمتی از محصول را در اختیار مالک زمین قرار می‌دادند. گاهی اوقات نیز زمین‌ها را به همراه کشاورز مستأجر به نهادهای مذهبی می‌بخشیدند.<sup>۲۶</sup> در کتیبه مسجد میان‌مشک در حیدرآباد، که در ۱۶۸۱م نوشته شده است، مطلبی درباره اجاره دادن زمین‌های متعلق به نهادهای مذهبی آمده است. در این کتیبه به یکی از سپهسالاران قطب‌شاهی با نام میان‌مشک و کمک‌هایی که به مسجد میان‌مشک کرده اشاره شده است. او زمین‌ها و باغ‌های روستای عطاپور را به کشاورزان اجاره می‌داد و

<sup>26</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 97-98.

<sup>24</sup>Bilgrami, *Landmarks of the Deccan*, 74.

<sup>25</sup>*Epigraphia Indo-Moslemica 1935-1936*, 27.

درآمد حاصل از آن را به مسجد میان‌مشک می‌بخشید تا به مخارج مسجد کمک کند.<sup>۲۷</sup> علاوه بر این، بر اساس اطلاعات مندرج در این کتیبه، حامیان سلطنتی درآمد حاصل از عوارض را نیز به این نهادها می‌بخشیدند. برای مثال، ملک‌مشک درآمدهای حاصل از مغازه‌های بازار کنار مسجد میان‌مشک را به آن مسجد بخشید تا مخارج انجمن‌های خیریه‌ای را تأمین کند که خود در آن مسجد تأسیس کرده بود.<sup>۲۸</sup> بعضی وقت‌ها نیز مقام‌های حکومتی از نهادهای مذهبی مالیات و عوارض نمی‌گرفتند که نوعی کمک به این نهادها محسوب می‌شد.<sup>۲۹</sup>

درگاه‌ها درآمدی ثابت داشتند که از راه کمک‌های نقدی و جنسی به دست می‌آمد. حکومت قطب‌شاهی معمولاً به درگاه‌های مستقر در قلمرو خود مستمری می‌داد. بنا بر گزارشی که تاریخ ظفر از درآمدها و هزینه‌های پادشاهی گلکندا از ۱۶۸۵ تا ۱۶۸۶ به دست می‌دهد، حکومت قطب‌شاهی برای کمک به میران‌شاه راجو مبلغ نظرگیر ۳۹۷,۸۰۱ روپیه مستمری پرداخت می‌کرد. میران‌شاه راجو یا شاه راجو دوم قدیس صوفی‌مسلك خانقاه حیدرآباد بود که آخرین سلطان قطب‌شاهی، یعنی ابوالحسن، از او حمایت می‌کرد. تاریخ ظفر اضافه می‌کند که در آن زمان مستمری معابد هندو مبلغی معادل ۶۴,۹۲۵ روپیه بود.<sup>۳۰</sup>

در کتیبه فارسی مسجد میران‌مشک، متعلق به ۱۶۸۱م، علاوه بر مطلبی درباره سازنده و حامی اصلی مسجد، یعنی میران‌مشک، اشاره‌ای هم به مخارج این مسجد و نهادهای مذهبی دیگری شده است که با آن قابل مقایسه بودند:<sup>۳۱</sup>

کارکنان مسجد	حقوق سالیانه (بر اساس واحد پولی هُن)
سرپرست مسجد	۲۰
مؤذن	۱۰
مسئول توزیع جانماز	۶
هزینه‌های اضافی	۶
مسئول آب	۶
مسئول مشعل	۷۲

tions, 109.

<sup>۲۷</sup>شروانی، تاریخ سلسله قطب‌شاهی، ۶۵۴-۶۵۶.

<sup>۳۱</sup>Bilgrami, *Landmarks of the Deccan*, 83-84.

<sup>۲۷</sup>Bilgrami, *Landmarks of the Deccan*, 78-85.

<sup>۲۸</sup>Bilgrami, *Landmarks of the Deccan*, 78-85.

<sup>۲۹</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institu-*

۷	دربان	۱۲
۸	دو نظافتچی	۶
۹	خادم برهمن	۸۴
۱۰	بت‌های مسئول تعمیر پله‌ها	۶
۱۱	دو نفر مسئول شستن قالی	۱۵
۱۲	دو مسئول آبکشی	۱۲
	مجموع ۱۱۴ یا ۱۱۵	

جدول ۱. برگرفته از

Bilgrami, *Landmarks of the Deccan*, 83-84.

	اقلام	هزینه کالاها در سال (بر اساس واحد پولی هُن)
۱	نفت برای چراغ	۱۲
۲	نفت برای چراغ (هزینه‌های اضافی)	۶
۳	فرش برای مسجد	۲۱
۴	آشپزخانه	۶
۵	حراست و هزینه‌های مرتبط با آن	۱۲
۶	ساخت حمام و هزینه‌های مرتبط با آن	۹۸
۷	سوخت حمام	۴۰
۸	علوفه رمه گاو، سطل و طناب	۱۶۲
۹	حصیر و ملافه مخصوص حمام	۱۲
	مجموع ۱۸۳ یا ۱۸۴	

جدول ۲. برگرفته از

Bilgrami, *Landmarks of the Deccan*, 83-84.

اداره مساجد و نهادهای مذهبی مشابه آنها کار پرهزینه‌ای بود. یکی از این نهادهای مذهبی عاشوراخانه بود که برای قطب‌شاهیان شیعه اهمیت ویژه‌ای داشت و در واقع، افراد جامعه را در این مکان با هم متحد می‌کردند. حکام قطب‌شاهی طی ماه محرم بسیار خیرات می‌کردند. مثلاً در دوره محمدقلی قطب‌شاه مبلغی حدود ۴۰۰ هزار هُن (واحد پول) صرف تهیه غذا برای سیدها و علما می‌شد. علاوه بر این، هر سال مبلغ ۶۰ هزار هُن خرج لنگر و حقوق کارکنان عاشوراخانه‌ها و ۱۲ هزار هُن صرف



کمک به محتاجان و فقیران شده و ۱۰۰ هزار هن دیگر نیز بین بنیادهای خیریه تقسیم می‌شد.<sup>۳۲</sup> این مسئله نشان‌دهنده سیاستی بود که حاکم قطب‌شاهی برای جذب گروه‌های مختلف جامعه اتخاذ کرده بود. نویسنده حدیقه‌السلطین قطب‌شاهی می‌نویسد که علاوه بر ابراهیم قطب‌شاه و محمدقلی قطب‌شاه، عبدالله قطب‌شاه نیز طی ماه محرم بسیار سخاوت به خرج می‌داد و به یتیمان غذا و لباس مجانی می‌بخشید و مراسم لنگر برگزار می‌کرد.<sup>۳۳</sup> این علاقه حاکم قطب‌شاهی برای خدمت‌رسانی به مردم و همچنین اقداماتش برای رفاه حال آنها مسلماً احترام و منزلت او را نزد شهروندان بالا می‌برد.

در خصوص دیگر جوامع مذهبی باید به خاطر داشت آنچه اساساً باعث پیدایش بحران مالی در نهادهای مذهبی آنها و به‌خصوص نهادهای مذهبی هندوها شد، عدم حمایت از این نهادها بود. برای مثال، وقتی قطب‌شاهیان تعداد روستاهای وقفی معبد سیمها چلم را از ده روستا به یک روستا کاهش دادند، بودجه اداره این معبد کاهش یافت و این مسئله تأثیری زیان‌بخش بر عملکرد آن گذاشت.<sup>۳۴</sup> بر اساس آنچه در گزارش‌های تاریخی مرتبط با روستای پداپودی، واقع در منطقه گنتو، آمده است، گاهی آگراهارا انعام و زمین‌های متعلق به برهمن‌ها را مصادره می‌کرد.<sup>۳۵</sup> اما درست برعکس، بر اساس اطلاعات کتیبه موجود در روستای مسیحاپت، واقع در منطقه نیلور، که در سال‌های ۱۵۸۶-۱۵۸۷م نوشته شده است، درمی‌یابیم یکی از مقام‌های مسلمان حکومت قطب‌شاهی، با نام لالخان، روستایی را برای آگراهارا به چند برهمن می‌بخشد.<sup>۳۶</sup>

نهادهای مذهبی، از جمله خانقاه و عاشوراخانه، در واقع به شهرسازی حکام گلکندا مشروعیت می‌بخشیدند. پادشاهان مسلمان هند برای به دست آوردن مشروعیت سیاسی به حمایت صوفیان متکی بودند، زیرا حمایت نخبگان مذهبی برای حفظ قدرت ضروری

<sup>32</sup>N. Venkataramanayya, *Studies in the History of the Third Dynasty of Vijayanagara* (Madras, 1935), 253-255; *South Indian Inscriptions*, XVI, No.149 (Archaeological Survey of India, New Imperial series).

<sup>35</sup>*Mackenzie Manuscripts* (A.P. State Archives), No.4, 19.

<sup>36</sup>A. Butterworth and V.V. Chetty, *A Collection of Inscriptions on Copper Plates and Stones in the Nellore District* (Madras, 1905), No.2, 667.

<sup>32</sup>خواجه غلامحسین‌خان، گلزار آصفیه (حیدرآباد، ۱۸۹۰)، ۱۴۵. اولین سلطان قطب‌شاهی که رسم غذا دادن به فقیران در روزهای عید را آغاز کرد، ابراهیم قطب‌شاه بود. او برای اولین‌بار به منظور رسیدن به این هدف بنیادی تشکیل داد. همچنین بنگرید به Ian Austin, *City of Legends: Story of Hyderabad* (New Delhi: Viking, 1992), 15.

<sup>33</sup>میرزا نظام‌الدین احمد، حدیقه‌السلطین، تصحیح سیدعلی بلگرامی (حیدرآباد، ۱۹۶۱). ترجمه این اثر به زبان اردو به همت خواجه محمد سرور (اداره ادبیات اردو، حیدرآباد) صورت گرفته است.

بود. در کل، نگرش حکومت‌های دکنی به علما<sup>۳۷</sup> و صوفیان<sup>۳۸</sup> ماهیتی یکسان نداشت، اما با توجه به محبوبیت قدیسان صوفی‌مسلك هیچ حکومتی نمی‌توانست به آنها بی‌توجه باشد. قطب‌شاهیان نظری حمایت‌گرانه نسبت به صوفیان داشتند، زیرا به واسطه صوفیان می‌توانستند اعتماد کامل توده مردم را نسبت به حکومت خود به دست آورند. صوفیان چنان نفوذی بر حکام داشتند که حتی گاه مسئولیت طراحی سیاست‌های مهم حکومت را بر عهده داشتند.<sup>۳۹</sup> بسیاری از مردم به این قدیسان صوفی‌مسلك رجوع می‌کردند و از آنها می‌خواستند تبعیض و نابرابری رایج در جامعه را از بین ببرند. جنبش صوفیان علاوه بر اینکه توان تمییز ارزش‌های معیار را در اختیار حکومت قطب‌شاهی قرار داد، جو مساعدی برای تجدید رابطه فرهنگی گروه‌های متفاوت در دکن پدید آورد.<sup>۴۰</sup>

صوفیان پیش از تأسیس سلطنت مسلمانان در جنوب، در منطقه آندرها ساکن بودند. آنها در آن دوران در مناطق متفاوت خانقاه‌های بسیاری تأسیس کرده بودند که در واقع مرکز فعالیت‌های تبلیغی آنها بود.<sup>۴۱</sup> از تصوف طی دوران حکومت قطب‌شاهیان، به‌رغم

*Northern India in the Sixteenth and Seventeenth Centuries* (Agra: Agra University, 1965).

<sup>۳۹</sup> صوفیان فقط در خصوص مسایل معنوی فعالیت نمی‌کردند، بلکه در مسایل سیاسی نیز مرتباً شرکت داشتند که از جمله این فعالیت‌ها می‌باید به توطئه‌گری و مشاوره با پادشاه اشاره کرد. حسین‌شاه ولی، قدیس صوفی‌مسلك پرآوازه، با دختر ابراهیم قطب‌شاه، یعنی شاهزاده خیریت‌النساء بیگم، ازدواج کرد و سرپرستی امور ساختمانی حکومتی را به عهده گرفت و همچنین فرمانده یگانی ۱۰ هزار نفره در حکومت قطب‌شاهیان شد. بنگرید به

Bilgrami, *Landmarks of the Deccan*, 110; Austin, *City of Legends*, 13-15.

در خصوص دیگر نمونه‌های فعالیت‌های سیاسی قدیسان می‌توان به شاه راجو اول اشاره کرد که می‌گویند علیه محمدقلی قطب‌شاه توطئه کرد. بنگرید به

Bilgrami, *Landmarks of the Deccan*, 74.

<sup>۴۰</sup> جوامع الکلیم، ۱۰۷ و ۱۱۸-۱۱۹. همچنین بنگرید به جوشی و شروانی، تاریخ دکن در دوران قرون وسطی (حیدرآباد، ۱۹۷۴)، جلد ۲، ۱۹۸-۱۹۹.

<sup>۴۱</sup> میرنجم‌الدین علی‌خان، نظام آموزش و پرورش در دکن، صفحه ۳۸۳.

Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 90-93.

بعضی از صوفیان به همراه پیروان خود از شمال هند یا حتی از عربستان به جنوب می‌آمدند تا به فعالیت‌های تبلیغی بپردازند.

<sup>۳۷</sup> علما خدمت‌گزاران حکومت در بخش قضایی بودند و در مراسم و اقدامات مذهبی دولت شرکت می‌کردند. آنها مردم را متقاعد می‌کردند که پذیرای سیاست‌های مذهبی حکام باشند و از این طریق به نوعی به قدرت حکام مشروعیت می‌بخشیدند. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص بنگرید به

Ishtiaq Husain Qureshi, *Ulema in Politics* (Delhi: Renaissance Publishing House, 1985).

<sup>۳۸</sup> صوفیان عارفانی بودند که به سبب کراماتشان بر احساسات مردم تأثیر می‌گذاشتند. تصوف، که بر پایه انس نفس جزئی با خدا و وصول به اوست، از قرن دوازدهم میلادی به بعد در ایالت آندرادسا رایج شد، اما تا قرن شانزدهم آرام‌آرام جایگاه خود را از دست داد. از قدیسان صوفی‌مسلك دوره قطب‌شاهی می‌توان به حسین‌شاه والی که ابراهیم قطب‌شاه از او حمایت می‌کرد و دختر خود را به عقد او درآورد، سیدشاه راجو اول که حمایت محمدقلی قطب‌شاه را داشت و شاه هم‌جاگیری به او بخشید و هم مستمری ماهیان‌های به او اختصاص داد و سیدشاه راجو دوم نام برد که ابوالحسن قطب‌شاه حامی او بود. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به Bilgrami, *Landmarks of the Deccan*, 74 and 110; Suleman Siddiqui, *The Bahmani Sufis* (Delhi: Idara Adabiyat-e-Dilli, 2009).

برای اطلاعات کلی در این خصوص بنگرید به

Athar Abbas Rizvi, *A History of Sufism in India* (Delhi: Munshiram Manoharlal, 1983); Athar Abbas Rizvi, *Muslim Revivalist Movements in*

شیعه بودن حکام، در مناطق تلوگوزبان حمایت می‌شد. از جمله قدیسان این دوران که اطلاعاتی از آنها در دست است می‌توان به سیدشاه جمال (۱۵۹۰م) از اهالی ورنگل، سیدعبدالطیف لابلالی (۱۶۴۷م)، سیدشاه عبدالله قادری از اهالی کرنول، سیدابوطاهر و سیدکلیم‌الله مکائی (۱۶۵۳م) از اهالی جانکام پیت، منطقه‌ای در نظام‌آباد، اشاره کرد.<sup>۴۲</sup> طی این دوران، اعضای فرقهٔ چشتیه افراد بانفوذی بودند و ظاهراً ابراهیم قطب‌شاه در آن دوران حسین‌شاه والی (۱۶۷۱م) را به گلکندا دعوت کرد.<sup>۴۳</sup>

خانقاه‌ها در صدد بودند بین مردم آگاهی مذهبی ایجاد کنند و به این ترتیب، به آنها آموزش دینی دهند. به گفتهٔ مورخ معروف این عهد، نظامی، «گروه فرهنگی مسلمان از طریق عرفان موفق شد خود را با فضای محلی وفق دهد و علاوه بر این، عرفان باعث شد همهٔ موانع اجتماعی-زبانی‌ای که باعث جدایی جنوب از شمال شده بودند کنار روند و راه برای توسعهٔ گرایش‌هایی باز شود که کل هند را در بر می‌گرفتند.»<sup>۴۴</sup> او همچنین شرح می‌دهد که «اشتقاق صوفیان به برقراری ارتباط مستقیم با طبقهٔ عوام و شریک شدن با شادی‌ها و غم‌های آنها منجر به شکل‌گیری زبان ارتباطی جدیدی شد که شروانی آن را شکل اولیهٔ زبان اردو می‌داند.»<sup>۴۵</sup> چنین ویژگی‌هایی ابتدا در خانقاه‌های شمال هند ایجاد شده بود. صوفیان دکنی، که نیاکانشان از شمال به این منطقه مهاجرت کرده بودند، سعی می‌کردند همان فضا را در جنوب نیز ایجاد کنند. حتی عاشوراخانه‌ها که در گلکندا محل توجه بودند می‌کوشیدند فرهنگ‌های گوناگون را با هم ترکیب کنند. در همهٔ شهرهای شیعه‌نشین دکن مراسم یادبود محرم هر سال برگزار می‌شد. عزاداران در مراسم چهل‌روزهٔ محرم ماکت‌هایی سبک از ضریح امام حسین را با خود حمل می‌کردند که با تکه‌هایی از چوب صاف و صیقل‌داده‌شده و پوششی از کاغذ سبزرنگ که با مهارت تمام ساخته می‌شد. این ماکت‌ها تعزیه نامیده می‌شدند و در همهٔ دوره‌های حکومت قطب‌شاهی رایج بودند.<sup>۴۶</sup> در قرن‌های پانزدهم و شانزدهم میلادی در دکن، برای مراسم عزاداری محرم علم‌های مخصوص محرم یا علم‌هایی ساخته می‌شد که نماد مذهب شیعه بودند. بر روی این علم‌ها نام شهدا و عقاید مذهبی آنان نوشته می‌شد. علاوه بر این، نام پنج تن پاک، یعنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین را نیز همیشه بر روی این علم‌ها مینوشتند. اهمیت مذهبی محرم در دربار قطب‌شاهیان کاملاً مشهود بود. این حکام شیعهٔ دکن که با باورهای راست‌کیشی هیچ میانه‌ای نداشتند و اهل جزم‌اندیشی هم نبودند، علم‌های

Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 48.

<sup>42</sup>Siddiqui, *The Bahmani Sufis*, 14; Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 48;

<sup>44</sup>شروانی و جوشی، تاریخ دکن در دوران قرون وسطی، ۷۵.

شروانی و جوشی، تاریخ دکن در دوران قرون وسطی، ۱۸۹.

<sup>45</sup>شروانی و جوشی، تاریخ دکن در دوران قرون وسطی، ۷۵.

<sup>43</sup>شروانی، تاریخ سلسلهٔ قطب‌شاهی، ۶۰۱؛

<sup>46</sup>شهباز سفرانی، گلکندا و حیدرآباد (بمبئی، ۱۹۹۴)، ۷۱.

محرم را گرامی می‌داشتند، زیرا این کار به نفع حکومتشان بود. برای مثال، محمدقلی‌شاه (ح. ۱۵۸۰-۱۶۱۲م) دستور می‌دهد در چهارمنار علم‌هایی از گچ بسازند که آنها را در بالای سرطاق‌های این بنا قرار دادند.<sup>۴۷</sup> همهٔ اینها نشان می‌دهند که در زمان حکومت قطب‌شاهیان، مراسم محرم با اخلاص و شور و حرارت هر چه تمام برگزار می‌شد. تونو (۱۶۳۳-۱۶۶۷م)، جهانگرد فرانسوی، در زمان برگزاری مراسم محرم برحسب تصادف در گلکندا بود. او از هر آنچه دید و از جمله درگیری‌های بین شیعیان و سنی‌ها گزارشی تهیه کرد.<sup>۴۸</sup>

عاشوراخانه در دوران قطب‌شاهیان نهاد مذهبی‌ای بود که عمدتاً برای جلوه بخشیدن به مذهب تشیع به وجود آمده بود، اما خود نیز نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کرد. عاشوراخانه‌ها به حکام قطب‌شاهی کمک می‌کردند تا عناصری از فرهنگ‌های متفاوت جامعه را با هم ترکیب کنند و همچنین، فاصلهٔ بین گروه‌های مختلف جامعه را کم کنند. طی ماه محرم، شیعیان مراسم گوناگونی برگزار می‌کردند که از جملهٔ آنها می‌توان به مراسم مجلس، ماتم و فاتحه اشاره کرد. اما علم‌های محرم را نه فقط شیعیان، که هندوها و سنی‌ها نیز مقدس می‌دانستند و علاوه بر این، در خصوص مراسم مختلفی چون نذری و لنگر نیز باید گفت که هندوها و سنی‌ها نیز همچون شیعیان در برگزاری این مراسم سهم داشتند که این نشان از اجتماع هماهنگ گروه‌های مختلف در عاشوراخانه‌ها دارد.<sup>۴۹</sup> عاشوراخانه را در واقع شیعیان ثروتمند برای برگزاری مراسم یادبود محرم در نظر گرفته بودند. این مکان‌ها را در اندازه‌های متفاوت، از اتاق‌هایی کوچک گرفته تا ساختمان‌هایی بزرگ، می‌ساختند و آنها را تزئین می‌کردند. در دوره‌های دیگر، مکان‌هایی موقتی برای مراسم محرم در نظر می‌گرفتند که به امامبارا معروف بودند و در دههٔ اول محرم علم‌های محرم را در آنجا نگهداری می‌کردند.<sup>۵۰</sup>

عاشوراخانه‌ها مرکز فعالیت‌های ماه محرم بودند. هدف از برگزاری مراسم مجلس که طی ماه محرم در عاشوراخانه‌ها برگزار می‌شد، سوگواری برای فاجعهٔ کربلا بود. بنابراین، همهٔ اهالی گلکندا از حاکم تا افراد زیر نظر او صرف نظر از نژاد، طبقه و مذهبشان در این مراسم شرکت می‌کردند.<sup>۵۱</sup> عاشوراخانه‌ها نقش مهمی در امور مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و ادبی داشتند و قطب‌شاهیان شیعه می‌دانستند عاشوراخانه‌ها چه نقش مهمی در زندگی مردم

<sup>۴۹</sup> صادق نقوی، ترکیب فرهنگی در حکومت قطب‌شاهی (APHC، کرنول، ۱۹۸۵)، ۶۹-۷۰.  
<sup>۵۰</sup> سفرانی، سفرانی، گلکندا و حیدرآباد، ۷۳.  
<sup>۵۱</sup> صادق نقوی، عاشوراخانه‌های شهر حیدرآباد (حیدرآباد، ۱۹۸۲)، ۳ و ۱۰.

<sup>۴۷</sup> Khawja Moinuddin, *Muharram in Hyderabad, Census of India, series 2 (A.P, 1981)*; Jan Pieper, "Hyderabad: A Quranic Paradise in Architectural Metaphors," *Environmental Design* (1984), 46-51.  
همچنین بنگرید به سفرانی، گلکندا و حیدرآباد، ۷۷.  
<sup>۴۸</sup> ج. پ. گوها، سفرهای تونو و کریر (دهلی، ۱۹۷۶)، ۱۸۱-۱۸۳.

و به خصوص در زندگی شهروندان شیعه ایفا می‌کنند. از جمله عاشوراخانه‌های مهمی که در دوران حکومت قطب‌شاهیان در گلکندا تأسیس شدند می‌توان به عاشوراخانه پادشاهی، کوه مولاعلی، عاشوراخانه حسینی علم و عاشوراخانه سرطوق مبارک اشاره کرد.<sup>۵۲</sup> عاشوراخانه علاوه بر ارزش مذهبی‌ای که داشت در طی دوران حکومت قطب‌شاهی یکی از نهادهای اجتماعی خاص دکن بود که در واقع محل گردهمایی گروه‌های گوناگون جامعه قطب‌شاهی محسوب می‌شد. به این ترتیب، عاشوراخانه هم ابزاری برای برقراری روابط دوستانه در جامعه بود و هم به قدرت سیاسی مشروعیت می‌بخشید.

در خصوص نقش حکومت قطب‌شاهی در ایجاد تغییرات مذهبی و فرهنگی در منطقه دکن، نباید فراموش کرد که در زمان قطب‌شاهیان اهالی محلی دکن بیشتر هندو بودند و در واقع هندوها قسمت عمده جامعه را تشکیل می‌دادند.<sup>۵۳</sup> دکن در طول سال‌ها و با به اوج رسیدن عناصر مسلمان خارجی (ایرانیان) و داخلی (دکنی‌ها)، که نخبگان دکنی از میان آنان برآمدند، توانست هویت خاص خود را به دست آورد.<sup>۵۴</sup> روابط دوستانه دکن و ایران منجر به شکل‌گیری نخبگان محلی جدید و نیز گروه‌های اقلیت در جامعه دکن شد. افراد بسیاری از جمله تاجر، صنعتگر، کاشی‌کار، خوشنویس، قدیس، صوفی، کارمند نهادهای قضایی و مذهبی از ایران و آسیای مرکزی به دکن مهاجرت کردند که در واقع گروه جدیدی از روشنفکران را در دولت‌های نوپای جانشین دولت بهمنی پدید آوردند. در آن دوران، عمده جمعیت ایران را اهل سنت تشکیل می‌دادند و فقط بخش مذهبی و اداری در اختیار گروهی شیعه قرار داشت که از نسل اهل بیت تشکیل شده بود که برای تحکیم موقعیت خود ایرانی شده و خود را برترین نماینده مذهب تشیع معرفی می‌کردند. با گذشت زمان، اکثریت جامعه، از شاه و گدا، از نظر فرهنگی و مذهبی به تشیع روی آوردند و این امر باعث شد مذهب شیعه به نماد هویت ایرانی تبدیل شود.<sup>۵۵</sup>

تیراندازی به آنها بیاموزند. این مسلمانان حق عبادت داشتند و همچنین مجاز بودند در مکان‌های متفاوتی مساجد خود را تأسیس کنند. رابطه نزدیک بین مسلمانان و هندوها باعث از بین رفتن تعصب مذهبی شد و همچنین موجبات آن را فراهم آورد که اسلام و ابعاد گوناگون آن تأثیری عمیق بر آیین هندو بگذارند. بنابراین، رفته‌رفته رسوم و سنت‌هایی پدید آمدند که بین هر دو گروه مشترک بودند و همین رسوم مشترک باعث شد بافت جهان‌وطنی جامعه دکن تقویت شود.<sup>۵۴</sup> د. بردی، ف. کسلوی و س. امورتی، "تشیع در دکن: تحقیقی فرضی"، فرهنگ اسلامی، سال ۶۲ (آوریل و ژوئیه ۱۹۸۸)، ۹۶-۹۹.

<sup>۵۵</sup> د. بردی، کسلوی و امورتی، "تشیع در دکن، ۹۷-۱۰۰ و ۱۰۴.

<sup>۵۲</sup> نقوی، عاشوراخانه‌های شهر حیدرآباد، ۱۱ و ۱۷-۴۹. علم‌های موجود در عاشوراخانه‌های قطب‌شاهیان از فلزها و آلیاژهای متفاوتی چون طلا، نقره، مس و برنز ساخته می‌شدند و از نمونه‌های عالی صنعتگری محسوب می‌شوند.<sup>۵۳</sup> سلیمان صدیقی، "تغییر قومی در جامعه بهمنی در پیدر، ۱۴۲۲-۱۵۳۸"، IC، سال ۶۰ (ژوئیه ۱۹۸۶)، ۶۱-۶۲، صدیقی، تاریخ دکن در دوران قرون وسطی، ۳۳-۵۱. یکی از ویژگی‌های خاص منطقه دکن که تقریباً از همان زمان که مبلغان و بازرگانان عرب به دکن مهاجرت کردند در آنجا وجود داشته، رابطه دوستانه همیشگی بین هندوها و مسلمانان بوده است. حتی پادشاهان پانديان و وِجیانگر مسلمانان را به خدمت می‌گرفتند که افراد ارتش را آموزش دهند و

بنابراین، سیل بعدی مهاجرت گروه‌های شیعی از ایران دوره صفویه به دکن تغییرات بیشتری در فرهنگ و مذهب اقوام متفاوت جامعه فعلی دکن ایجاد کرد و به این ترتیب، در زمان حکومت شیعی سلسله قطب‌شاهی، تشیع توانست هویت فرهنگی خاصی به دکن بدهد.

مذهب تشیعی که در دوران حکومت قطب‌شاهی رواج داشت تا حدی افراطی بود که احتمالاً علت آن هم‌زمانی دوره حکومت قطب‌شاهی با دوره حکومت شیعی صفوی در ایران بود.<sup>۵۶</sup> آنچه مشخص است اینکه تشیع مذهب رسمی دکن شده بود و در جامعه محلی نقش مهمی ایفا می‌کرد: اول آنکه پدیده‌ای مذهبی بود و دوم آنکه عامل مهمی بود که بر اوضاع سیاسی و اجتماعی تأثیر می‌گذاشت. شیعیان منطقه که در اقلیت قرار داشتند، برخلاف اهل سنت، قادر بودند روابط دوستانه‌ای با هندوها برقرار کنند. گروه‌های غیرمسلمانی مثل هندوها آمادگی بیشتری برای حمایت از شیعیانی داشتند که در اقلیت بودند و موقعیت اجتماعی مستحکمی نداشتند. حال آنکه اهل سنت که عمده جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دادند احتمالاً موضعی دفاعی در برابر هندوها اتخاذ می‌کردند و از درآمیختن با آنها سر باز می‌زدند.<sup>۵۷</sup> بنابراین، مذهب تشیع توانست حمایت دیگر فرقه‌های جامعه، به استثنای فرقه اهل سنت، را به دست آورد که باعث تقویت پایگاه حمایتی‌اش شد. بنابراین، موفقیت مذهب شیعه را می‌توان فرایند سیاسی مستقل و داخلی خاص دکن دانست.

در پایان، باید گفت که رویکرد حکومت و جامعه قطب‌شاهی در خصوص نهادهای مذهبی رویکردی حمایتی بود. گفته شد که گروه‌های متفاوتی چون افراد ثروتمند و سازمان‌ها و گروه‌های فرقه‌ای به تأسیس نهادهای مذهبی و حفاظت از آنها کمک می‌کردند، هرچند حکومت همچنان حامی اصلی این نهادها محسوب می‌شد.<sup>۵۸</sup> حکومت همیشه بودجه ثابتی از خزانه سلطنتی را به نهادهای مذهبی اختصاص می‌داد. گرچه هر یک از نهادهای مذهبی برای مدیریت این بودجه هیئت مذهبی خاص خود را در اختیار داشت، حکومت مایل بود شخصاً بر کار آنها نظارت کند. هرگاه حکام یا مردم مبلغی پول یا قطعه‌زمینی به نهادی مذهبی می‌بخشیدند، مأموران مالیاتی دولت که در محل آن نهاد مذهبی انجام وظیفه می‌کردند در جریان این موضوع قرار می‌گرفتند و مقدمات لازم را برای استفاده از این زمین

<sup>58</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 122.

<sup>۵۶</sup>صدیقی، تغییر قومی در جامعه بهمنی، ۶۴-۸۰.  
<sup>۵۷</sup>بردی، کسلوی و امورتی، "تشیع در دکن"، ۱۰۳.

یا پول فراهم می‌کردند.<sup>۵۹</sup> نهادهای مذهبی به سبب تأثیر بسیاری که بر مردم داشتند از کمک به آنها سر باز نمی‌زدند و در نتیجه، این نهادها در ایجاد نوعی سوسیالیسم اقتصادی سهیم بودند. این نهادها با روش‌هایی متفاوت به مردم کمک می‌کردند که از جمله آنها می‌توان به تأسیس مسافرخانه برای مسافران، بنای کاروانسرا در کنار مساجد،<sup>۶۰</sup> غذا دادن به مردم<sup>۶۱</sup> و ساخت حمام برای فقیران و مسافران اشاره کرد.<sup>۶۲</sup>

بنابراین، حکام قطب‌شاهی دکن برای آنکه بتوانند سلطه سیاسی خود را موجه جلوه دهند و هماهنگی اجتماعی حاکم بر جامعه را حفظ کنند، به فعالیت‌های مذهبی و معنوی رو می‌آوردند. نهادهای مذهبی در دوران حکومت حکام قطب‌شاهی مراکز مهمی برای فعالیت‌های علمی و آموزشی بودند و به امور خیریه نیز می‌پرداختند و این اقدام آنها ارزش اجتماعی بسیار داشت. علاوه بر این، نخبگان مذهبی در سیاست، دیپلماسی و دسیسه‌های گوناگون نقش داشتند و در نتیجه، بر حیات سیاسی معاصر خود تأثیرگذار بودند. همچنین، به پادشاهان کمک می‌کردند با افراد زیر نظر خود ارتباط برقرار کنند. بنابراین، نهادهای مذهبی پل ارتباطی بین حکومت و عوام بودند و از راه همین ارتباط بود که می‌توانستند عملکرد پادشاهان شیعه غیرملکی و نیز نخبگان حاکم بر جامعه را مشروعیت بخشند.

قرار داشت که تونو دو اتاق آن را با کرایه دو روپیه در ماه اجاره کرده بود. نسخه یوسف حسین‌خان، فرمان‌ها و سندهای سلطنت دکن (حیدرآباد، ۱۹۶۳)، ۱۳۱.

Hossain Bilgrami and C. Wilmott, *Historical and Descriptive Sketch of His Highness the Nizam's Dominions* (Bombay: Times of India Steam Press, 1884), vol. 2, 542.

<sup>۶۱</sup> در مسجد مکه که در دوران حکومت قطب‌شاهی تأسیس شد، روزانه ۳۶ ماند غذا می‌بختند و بین فقرا تقسیم می‌کردند. در روزهای مقدس، در این مسجد مراسم آشپزخانه عمومی برگزار می‌شد. در کتیبه مسجد صالح‌بیگم، متعلق به سال ۱۶۵۷م، به میزان کمکی که حامی مسجد به مخارج مراسم سالیانه در مسجد اختصاص داده بود اشاره شده است. در کتیبه فارسی مسجد مشک‌محل، متعلق به سال ۱۶۷۴م، هم مطلبی درباره غذا دادن به فقرا در نوانخانه‌های کنار مسجد در ماه محرم آمده است. بنگرید به

Bilgrami, *Landmarks of the Deccan*, 79-83.

<sup>۶۲</sup> به گفته سماری، صفحه ۱۷۸، در مسجد جامع قلعه گلکندا و مسجد جامعی در نزدیکی‌های بنای چهارمینار تمهیداتی برای مردم فراهم می‌شد تا بتوانند مجانی حمام کنند.

<sup>۵۹</sup>Reddy, *Hindu and Muslim Religious Institutions*, 133,

به نقل از "فرمان‌های قطب‌شاهی"، در مجموعه حضرت بنده‌نواز، شماره ۱۵ و ۱۸. حکام قطب‌شاهی در یکی از فرمان‌های حکومتی خود در ۱۵۸۵م در تأیید واگذاری روستای مدهول به یکی از شیخان فرقه چشتیه، یعنی حسین‌شاه والی، خطاب به کارکنان و دیسائیان (مأموران مالیاتی منطقه آرکی پارگانا که روستای مدهول در آن واقع شده است) از آنها خواسته بودند که در امور مالیاتی روستای مدهول دخالتی نکنند. در سال ۱۶۰۷م نیز حکام قطب‌شاهی فرمان دیگری مبنی بر تمدید پرداخت مستمری ۲۰۰ روپیه‌ای به مسجد حسین‌شاه والی، واقع در قلعه گلکندا، برای تأمین مخارج آن خطاب به همان مأموران مالیاتی صادر کردند.

<sup>۶۰</sup> شروانی، تاریخ سلسله قطب‌شاهی، ۳۱۶. تاورنیه، که در سال‌های ۱۶۳۸-۱۶۳۹م از شهر حیدرآباد دیدن کرد، می‌گوید کاروانسراهای مساجد مسافرخانه‌هایی برای مسافران بودند. یکی از مساجد واقع در علی‌آباد که به همت ملک‌اعلم در سال ۱۶۱۵م ساخته شده بود، کاروانسرای متشکل از ۸۳ اتاق داشت. این سرا برای مسافران ساخته شده بود و برای اقامت در آن یا اصلاً هزینه‌ای دریافت نمی‌شد یا هزینه اقامت در آن بسیار ناچیز بود. کاروانسرای نعمت‌اللهی در کنار همان مسجدی



**فصلنامه باران در گستره‌ی فرهنگ، ادبیات، تاریخ و سیاست**

زیر نظر مسعود مافان

**Persian quarterly on culture, literature,  
history and politics**

با اشتراک و هدیه دادن فصلنامه ی باران ما را در  
انتشار این فصلنامه یاری رسانید.



**فصلنامه باران را مشترک شوید**

**اشتراک یکساله برای اشخاص**

**در اروپا ۴۵ یورو**

**در آمریکا و استرالیا ۶۵ یورو**

**Subscription Rates**

**for 2015 , Individual in Europe 45 Euro, USA and Australien 65 Euro,  
Institution Europe 65 Euro USA and Australien 85 Euro**

**Baran**

**Skandinaviska Enskilda Banken**

**Bic: ESSESESS**

**IBAN: SE65 5000 0000 0528 7100 6792**

**info@baran.se**

**www.baran.se**